

فریب‌های پایان جهان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۳ و ۲۴؛ دوم قرنتیان باب ۱۱ آیات ۱۳ تا ۱۵؛ مزامیر باب ۱۴۶ آیه ۴؛ پیدایش باب ۱ تا باب ۲ آیه ۳؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «این اژدهای بزرگ یعنی آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کسی است که تمام مردم دنیا را فریب می دهد با تمام دار و دسته اش بر زمین افکنده شد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹).

شیطان حتی در آسمان پیش از اخراج، در تلاش برای فریب فرشتگان بود. «لوسیفر با ترک جایگاهش در حضور خداوند، در تلاش برای انتشار روح نارضایتی در میان فرشتگان بود. او که با پنهان کاری مرموز کار می کرد و برای زمانی هدف واقعی خود را پشت یک ظاهر دارای احترام برای خدا مخفی نمود، تلاش نمود نارضایتی در مورد احکامی که بر موجودات آسمانی حاکم بود را برانگیزد و اعلام می نمود که آنها بی جهت خودداری می کردند.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 495

در عدن، او با تغییر قیافه خود را در جلد یک مار مخفی نمود و بر علیه حوا نیرنگ نمود. در طول تاریخ تا به امروز، و حتی پس از هزاره، او در تلاش برای رسیدن به اهداف خود، از فریب استفاده خواهد کرد (مکاشفه یوحنا باب ۲۰ آیه ۸).

متأسفانه، او از همه ما باهوش تر، قوی تر و ماهر تر می باشد، که به همین دلیل است که ما باید به عیسی و کلام او وفادار باشیم تا خود را در برابر نیرنگ او محفوظ بداریم. «اما چون شما که به خداوند خدای خود، وفادار بودید تا چطور در بعل فغور تمام کسانی را که بت بعل را پرستش کردند، از بین برد» (تثنیه باب ۴ آیه ۴). اصلی که در اینجا وجود دارد، در واقع همچنان امروزه نیز معتبر است.

این هفته، ما نگاهی خواهیم انداخت به برخی از مؤثرترین فریب های شیطان و اینکه چگونه می توانیم در برابر آنها محافظت شویم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ ژوئن آماده شوید.

۲۷ مه

یکشنبه

بزرگترین فریب

اولین درس این فصل درباره «نبرد کیهانی» صحبت نمود که متأسفانه به فراتر از کیهان و به زمین ما رسیده است.

اگر چه مشکل این است که بسیاری از مردم از جمله مسیحیان، این نبرد بزرگ را باور ندارند زیرا شیطان را باور ندارند. برای آنها، آیات کتاب مقدس که درباره شیطان یا اهریمن صحبت می کنند، صرفاً بیانی از فرهنگ گذشته در تلاش برای توضیح بدی و رنج جهان می باشند. برای بسیاری از مردم ایده یک وجود واقعی ماوراء طبیعی که نقشه های بدی برای بشریت دارد، ماده علمی تخیلی و وابسته به شخصیت معروف دارث ویدر «جنگ ستارگان»، و یا مانند آن را دارد.

آیات زیر را که همگی از مکاشفه یوحنا هستند بخوانید. این آیات چه چیزی درباره واقعیت شیطان و بویژه در مورد نقش او در وقایع روزهای پایانی تعلیم می دهند؟ مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۳ و ۲۴؛ باب ۱۲ آیات ۳، ۷ تا ۹، ۱۲ و ۱۷؛ باب ۱۳ آیه ۲؛ باب ۲۰ آیات ۲، ۷ و ۱۰.

مکاشفه یوحنا به ما نشان می دهد که شیطان تا چه حد بر ساکنان جهان در روزهای پایانی قدرت خواهد داشت و نه تنها آنها را از نجات دور خواهد نمود بلکه بسوی جفای کسانی که به عیسی وفادار می مانند، رهنمود خواهد نمود.

از همه «وسيله های» شیطان (دوم قرن تیان باب ۲ آیه ۱۱) — ترجمه ای از واژه یونانی «ذهن» (noemata) — شاید بزرگترین فریب این است که به مردم تلقین کند که او وجود ندارد. گذشته از هر چیز، چه کسی به دنبال پناهگاه دشمنی غالب خواهد بود اگر به واقعی بودن آن معتقد نباشد؟ این شگفت انگیز است که بسیاری ادعای مسیحی بودن می کنند اما ایده وجود شیطان واقعی را جدی نمی گیرند. اگر چه آنها چنین موقعیتی را تنها با نادیده گرفتن تفسیر اساسی بسیاری از آیات کلام خدا که کارها و اقدامات شیطان در این جهان بویژه با نزدیک شدن به پایان زمان را نمایان می سازند، نکه می دارند. اینکه بسیاری از مردم وجود

واقعی شیطان حتی در مواجهه با شواهد قدرتمند از کتاب مقدس را انکار می کنند باید یاد آوری قدرتمندی باشد مبنی بر اینکه آنچه که کتاب مقدس می آموزد حائز اهمیت است.

اگر چه مکاشفه یوحنا درباره دسیسه های شیطان بویژه در روزهای پایانی سخن می گوید، ما چه امید بزرگی می توانیم از مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۱ بدست آوریم؟ سرچشمه قدرت ما علیه شیطان چیست؟

مه ۲۸

دوشنبه

دو خطای بزرگ

آیات زیر را بخوانید. آنها چه چیزی درباره قدرت فریب دهندگی شیطان به ما می گویند؟

دوم قرن تیان باب ۱۱ آیات ۱۳ تا ۱۵

دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ و ۱۰

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹

مکاشفه یوحنا باب ۲۰ آیه ۱۰

همانطور که در یکی از درس های قبل اشاره کردیم، عیسی به پیروانش در مورد فریب های روزهای پایانی هشدار داده بود. در میان آنها او بویژه در مورد ظهور مسیحان و انبیاء دروغین که «بسیاری را فریب خواهند داد» هشدار داده است (متی باب ۲۴ آیه ۵). اگر چه مسیحان و انبیاء کذب تنها فریب روزهای پایانی که ما باید از آنها با خبر باشیم، نیستند. دشمن ما در نبرد بزرگ نقشه های بسیاری برای فریب همه کسانی که در توانش باشد طراحی نمود. ما مسیحیان باید از آن نقشه ها مطلع باشیم و می توانیم این کار را تنها از طریق شناخت کتاب مقدس و اطاعت از آموزه هایش انجام دهیم.

الن جی. وایت توضیح می دهد که این دو فریب بزرگ چه هستند: «شیطان از طریق دو خطای بزرگ، جاودانگی روح و تقدیس یکشنبه، مردم را تحت فریب های خود در خواهد آورد. در حالی که خطای اول به اساس اعتقاد به عالم ارواح مربوط می شود، خطای دوم پیوندی از همدردی با روم ایجاد می کند. پروتستان های ایالات متحده آمریکا در

منبسط کردن دست هایشان در طول خلیج برای گرفتن عالم ارواح در رتبه نخست خواهند بود؛ آنها برای قلاب کردن دست هایشان با قدرت روم به پرتگاه خواهند رسید؛ و تحت تأثیر این اتحاد سه گانه، این کشور در پیمانال نمودن حقوق وجدان، رد پای روم را دنبال خواهد نمود.» — *The Great Controversy*, p. 588

چقدر برای ما باور نکردنی است که حتی سال های بسیاری پس از اینکه او این سخنان را نوشت، ببینیم که این «دو خطای بزرگ» چگونه بطور شایع در جهان مسیحیت ادامه می یابد.

چرا دانش حقایق کتاب مقدس و تمایل به اطاعت از آن حقایق، قدرتمندترین سلاحی است که ما در برابر فریب های شیطان بویژه در روزهای پایانی داریم؟

۲۹ مه

سه شنبه

جاودانگی روح

آیات زیر چه چیزی درباره «وضعیت مردگان» به ما تعلیم می دهند؟ این آیات چه حفاظت بزرگی در برابر یکی از دو خطای بزرگ می توانند به ما ارائه دهند؟ جامعه باب ۹ آیات ۵، ۶ و ۱۰؛ مزامیر باب ۱۱۵ آیه ۱۷؛ مزامیر باب ۱۴۶ آیه ۴؛ اول قرنیتیان باب ۱۵ آیات ۱۶ تا ۱۸؛ دانیال باب ۱۲ آیه ۲.

در دهه های اخیر توجه بیشتری به داستان های مربوط به مردمی که «مرده اند» شده است — که در آن قلب هایشان از تپیدن ایستاده و نفس نکشیده اند — تنها برای اینکه احیاء شده و هوشیاری خود را دوباره بدست بیاورند. در بسیاری از موارد، تعداد زیادی از این افراد، پس از به اصطلاح «مرگ» خود تجربه های باور نکردنی از وجودی هوشیار را بیان کرده اند. برخی در مورد این صحبت کردند که چگونه در هوا معلق بودند و از بالا جسم های خود را می دیدند. برخی دیگر چنین بیان نمودند که از بدن های خود خارج شده و موجودات شگفت انگیز سرشار از نور و گرما و کسانی که حقایقی درباره مهربانی و محبت بیان می کردند را ملاقات نمودند. دیگران ملاقات و صحبت کردن با اقوام مرده خود را بیان کردند.

این پدیده چنان رایج شده است که حتی نامی علمی به عنوان «تجربه نزدیک به مرگ» بر خود گرفته است. اگر چه «تجربه نزدیک به مرگ» بحث برانگیز باقی می ماند، بسیاری از مسیحیان از آن به عنوان گواهی برای جاودانگی روح و این ایده که در مرگ، روح به قلمرو دیگری از ضمیر خودآگاه می رود، استفاده کرده اند.

اما «تجربه های نزدیک مرگ» مطمئناً تجلی دیگری از یکی از «دو خطای بزرگ» می باشند. تا زمانی که کسی بر این باور باشد که در مرگ، روح به نوعی به زندگی ادامه می دهد، آن فرد در برابر بسیاری از فریب های غیبی یا مربوط به عالم ارواح گشوده است، فریب هایی که می توانند به راحتی بصورت آزادانه یا با دلالت این ایده را ترویج دهند که شما به عیسی نیازی ندارید. در واقع، اکثر افرادی که «تجربه نزدیک به مرگ» داشتند چنین گفته اند که موجودات روحانی یا حتی خویشاوندان مرده ای که ملاقات نمودند، سخنانی آرامش دهنده در مورد محبت، صلح و خوبی به ایشان گفته اند اما چیزی در مورد نجات در مسیح، گناه و داوری پیش رو نگفته اند که این موضوع اساسی ترین دیدگاه های کتاب مقدس است. ممکن است فردی فکر کند در حالی که ظاهراً طعم زندگی پس از مرگ مسیحی را تجربه می کند، تجربه اساسی ترین آموزه های مسیحیت را نیز باید دریافت کرده باشند. با این حال، اغلب آنچه به آنها گفته شده است صداهایی مانند عقاید کور جنبش عصر جدید می باشد که می تواند تشریح کننده این مسئله باشد که چرا بسیاری از این مردم قبل از «مرگ» علاقه کمتری نسبت به مسیحیت دارند.

بعنوان افرادی مسیحی چرا باید به کلام خدا وفادار باشیم، حتی زمانی که احساساتمان خلاف آن را به ما می گویند؟

۳۰ مه

چهارشنبه

سبت و نظریه تکامل

شیطان به همان اندازه که در فریب جهان در مورد جاودانگی روح موفق بوده است، به همان اندازه نیز در غصب نمودن سبت کتاب مقدس و تبدیل آن به یکشنبه موفق بوده است (هفته های شش و هشت را ببینید) و اینکار را برای اکثر مسیحیان تاریخ انجام داده است.

در سال های اخیر شیطان فریب دیگری را بوجود آورده است که روز هفتم سبت را در ذهن های مردم کمرنگ می کند: نظریه تکامل.

پیدایش باب ۱-۲ آیه ۳ را بخوانید. این آیات درباره چگونگی خلق جهان توسط خداوند و اینکه چه مدت به طول انجامید چه می آموزند؟

حتی مطالعه بسیار عمیق این آیات، دو نکته در مورد دلیل موجه کتاب مقدسی از خلقت را آشکار می سازد. نخست، همه چیز طبق برنامه و محاسبه شده بود؛ هیچ چیزی تصادفی، اختیاری و از روی بخت و اقبال نبود. کتاب مقدس هیچ جایی برای تصادفی بودن روند خلقت باقی نمی گذارد.

دوم، این آیات به روشنی نمایان می سازند که هر مخلوق بر اساس نوع خود، آفریده شد؛ یعنی هر کدام جداگانه و متمایز از یکدیگر ساخته شدند. کتاب مقدس چیزی درباره تبار طبیعی مشترک (از قبیل یک سلول بدوی ساده) برای تمام حیات روی زمین تعلیم نمی دهد.

حتی از نقطه نظر تفسیر فرامتنی پیدایش، این دو نکته روشن هستند: هیچ چیز در عمل خلقت تصادفی نبود و هیچ تبار طبیعی مشترکی برای تمام گونه های موجودات وجود نداشت.

اکنون در کنار این مطلب، نظریه تکامل تدریجی داروین می آید که در اشکال مختلفش دو چیز را آموزش می دهد: تصادفی بودن و یک اصل و نسب طبیعی مشترک برای همه گونه های موجودات.

پس چرا بسیاری از مردم، کتاب پیدایش را از طریق ذره بین این نظریه تفسیر می کنند که در ابتدایی ترین سطحش با پیدایش در تضاد است؟ در واقع، خطای تکامل تدریجی نه تنها میلیون ها فرد غیر روحانی را در دام خود گرفته است بلکه بسیاری از افراد مدعی مسیحی بودن نیز بر این باورند که می توانند آن را با ایمان مسیحی خود با وجود تناقضات آشکاری که هم اینک بیان شد، هماهنگ کنند.

هرچند، دلالت ها بر تکامل در زمینه وقایع پایانی، خطر این فریب را حتی آشکار تر می سازند. چرا یک روز، روز هفتم سبت را به عنوان یک یادبود — نه برای شش روز خلقت بلکه برای خلقتی که حدود سه میلیارد سال (آخرین تاریخی که ظاهراً زندگی بر روی زمین آغاز شد) به طول انجامید، جدی بگیریم؟ تکامل تدریجی تمام اهمیت های واقعی روز هفتم را از بین می برد زیرا شش روز خلقت را به افسانه ای شبیه با آنچه می گوید رومولوس و ریموس توسط گرگ ها بزرگ شدند، تبدیل می کند. همچنین چه کسی که اعتقاد دارد خلقت به جای شش روز به میلیارد ها سال زمان نیاز داشته، در واقع خطر جفا یا مرگ را با ایستادگی برای روز سبت در مخالفت با یکشنبه بر عهده می گیرد؟.

۳۱ مه

پنجشنبه

تثلیث جعلی

مفهوم ماهیت سه گانه خدا در سرتاسر کتاب مقدس یافت می شود. با این وجود، کتاب مکاشفه یوحنا در زمینه فریب های و جفاهای روزهای پایانی، یک «تثلیث جعلی» متشکل از اژدها، وحش دریا و وحش خشکی را در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا آشکار می سازد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷ و باب ۱۳ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. چه چیزی در اینجا توضیح داده شده است؟

اژدها در اینجا به عنوان بدلی از پدر دیده شده است که او کسی است که مشخصاً قدرت را بدست دارد. او همچنین به وحش دریا کسی که بدل مسیح است، قدرت و اقتدار و تاج و تخت می دهد. چرا این قدرت دوم به عنوان بدلی برای مسیح دیده می شود؟

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۲ تا ۵ را بخوانید. خصوصیات این وحش دریا چه هستند؟

این وحش دریا علاوه بر دریافت اقتدارش از اژدها، یاد آور آنچه عیسی در باره دریافت اقتدار خود از پدر گفت (متی باب ۲۸ آیه ۱۸ را ببینید)، همچنین مانند عیسی با مرگ و سپس رستاخیز روبرو شد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۳ را ببینید). همچنین، این وحش به عنوان کسی که اقتدارش را برای «چهل و دو ماه» یا سه سال و نیم به کار می برد توصیف شده است، بدلی نبوی از خدمت سه سال و نیم مسیح بر اساس اصل هر روز برابر با یک سال.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۷ را بخوانید. وحش زمین در اینجا چگونه توصیف شده است؟

این وحش خشکی، منافع وحش دریا را ترویج می دهد، درست همانطور که روح القدس نه خود بلکه عیسی را جلال می بخشد (یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۳ و ۱۴). همچنین همانطور که روح القدس عمل قدرتمند آوردن «آتش» از آسمان را انجام داد (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳)، وحش خشکی نیز کار مشابهی انجام می دهد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۳ را ببینید).

«در پایان، وحش خشکی بدلی برای پنطیکاست اجرا می کند! با چه هدفی؟ تا به جهان ثابت کند که تثلیث جعلی، خدای حقیقی می باشد.»

— Jon Paulien, *What the Bible Says About the End-Time* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 1998), p. 111

برخی دیگر از فریب های روزهای پایانی که ما باید از آنها آگاه باشیم، کدامند و چگونه می توانیم به دیگران در تشخیص آنها به عنوان فریب نیز کمک کنیم؟

تفکری فراتر: بیابید بیشتر در مورد دلالت های نظریه تکامل در زمینه وقایع روزهای پایانی بویژه در ارتباط با نقش سبت تأمل کنیم. یکی از دلایلی که چارلز داروین، مبتکر این نظریه، تکامل را ترویج داد این بود که — درک نادرستی از جدال عظیم — درک شرارت و رنج در کنار ایده خالق خیرخواه و با محبت برایش دشوار بود. بدلیل این اشتباه، او برای یافتن پاسخ به جهات دیگر نگاه کرد. همچنین این تصادفی نبود که در طول اواسط تا اواخر دهه ۱۸۰۰، چنانچه داروین نظریه تکامل تدریجی خود را مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار می داد، خدا از طریق یک جنبش، یعنی کلیسای ادونتیست روز هفتم، به نظریه ای که داروین به آن اعتقاد داشت پاسخ داد. چقدر جالب توجه که کلیسای ادونتیست روز هفتم که شالوده های خلقتش در نامش آشکار هستند، که درست در زمان نظریه داروین رشد و گسترش یافت.

کسی نمی داند، اما اگر داروین این چند جمله کوتاه را از الن جی. وایت خوانده و باور می کرد، جهان ممکن بود از یکی از بزرگترین اشتباهات فکری بشری از زمان نظریه ژئوسنتریزم [مکتب مرکزیت زمین: نظریه ای که می گوید زمین مرکز جهان و کائنات است] و نظریه خودزائی در امان می ماند: «اگر چه زمین با لعنت ملوث گردیده بود، ولی طبیعت باید همچنان کتاب درس بشر می بود. اکنون دیگر نمی توانست تنها نشان دهنده خوبی باشد؛ زیرا شرارت در همه جا حاضر بود و زمین، دریاها و هوا را با آلودگی خود معیوب ساخته بود. جایی که زمانی تنها شخصیت خدا و دانش خوبی در آن نوشته شده بود، اکنون شخصیت شیطان و دانش شرارت نیز در آن ثبت شده بود. از طبیعت که اکنون دانش خیر و شر را نمایان می ساخت، بشر باید همچنان در نتیجه گناه، هشدارهایی را دریافت می نمود.» — *Education*, p. 26

همانطور که بود، داروین گمانه زنی های تکامل تدریجی خود را تدبیر نمود که همه بر پایه درکی نادرست از طبیعت و شخصیت خدا و جهان سقوط کرده که ما در آن زندگی می کنیم، بودند. متأسفانه، مفاهیم نظریه او، مردم را به طعمه های فریب های شیطان بویژه در بحران نهایی تبدیل می سازد.

سوالاتی برای بحث

۱. چرا بسیاری از مسیحیان ایده شیطان واقعی را رد می کنند؟ این دیدگاه چه چیزی درباره میزان خطر رد کردن آموزه شفاف کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد؟
۲. ما به فردی که «تجربه نزدیک به مرگ» داشته است و ادعا می کند که این تجربه نشان می دهد که در واقع ما پس از مرگ به زندگی ادامه می دهیم، چه چیزی می توانیم بگوئیم؟
۳. شما در رابطه با اینکه چرا افرادی که نظریه تکامل را باور دارند، بسیار بیشتر مستعد درگیر فریب های روزهای پایانی شدن، هستند به چه دلایل دیگری می توانید بیانید؟



تراژدی، کوکائین و عیسی

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

مروان جیکاران، یک متصدی ماشین آلات در یک کارخانه چوب در کشور کارائیب در ترینیداد و توباگو، پس از تصادف رانندگی شدید در سن ۷ سالگی به مدت چهار روز بی‌هوش و برای مدت سه ماه در بیمارستان بستری شد. جیکاران در حال راه رفتن در کنار جاده بود که کامیونی به او اصابت کرده و او را حدود ۴۵ متر با خود بر روی زمین کشید، نصف صورتش از بین رفت و دچار جراحتهای شدید و عمیقی بر پشتش شد.

جیکاران که اکنون ۵۲ ساله و نیمی از صورتش دارای اثر زخم بدی است، گفت، «مامان می‌گوید که من مرده بودم و به زندگی باز گردانده شدم.» من می‌گویم، «مامان من در گناه مرده بودم اما عیسی مرا به زندگی بازگرداند.» جیکاران، یکی از نه فرزند خانواده، توسط مادر ادونتیست روز هفتمی تنها، پس از اینکه پدرشان خانواده را ترک کرد، بزرگ شد. او در سن ۱۱ سالگی بدلیل آسیب مغزی بوجود آمده در تصادف که او را ناتوان از یادگیری کرد، مدرسه را ترک نمود. او در سن ۱۴ سالگی شروع به سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی نمود و در نهایت به ماری جوانا و کوکائین روی آورد. او در سن ۲۸ سالگی ازدواج کرد و پدر چهار فرزند شد.

اما جیکاران به مصرف مواد ادامه داد و همسرش در نهایت با فرزندانش وی را ترک نمود.

جیکاران گفت که به شدت خواهان تغییر کردن بود. یک روز، او فریاد زد: «عیسی، من می‌خواهم تغییر کنم. اما کمک همسرم را نمی‌خواهم. کمک مامانم را نمی‌خواهم. کمک تو را می‌خواهم.»

ساعت‌ها بعد، او تماسی از مدیر یک مرکز توانبخشی مواد مخدر تحت نظر کلیسای ادونتیست با نام مرکز محبت تا زمان آمادگی، دریافت نمود. او بعداً متوجه شد که خواهرش با یک شبان ادونتیست برای کمک تماس گرفته بود و آن شبان با مرکز توانبخشی تماس برقرار کرده بود.

جیکاران مشتاقانه در آنجا حضور یافت. او ۴۶ سال سن داشت.

پیشرفت آهسته بود، اما او روزانه وعده‌های کتاب مقدس را مطالبه می‌کرد. سه وعده مورد علاقه‌اش این‌ها بودند: «ای خداوند، صلح و آرامش کامل به آنهایی که در اندیشه‌های خود راسخ‌اند و به تو توکل دارند، عطا فرما» (اشعیا باب ۲۶ آیه ۳)؛ «همیشه همراه تو خواهم بود و هرگز تو را ترک نخواهم کرد» (یوشع باب ۱ آیه ۵)؛ «و شما قبل از هر چیز برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد» (متی باب ۶ آیه ۳۳).

او همچنین نزد خداوند دعا کرد که خانواده‌اش به هم بیوندند و آن‌ها را به خداوند نزدیک‌تر کند.

در پایان برنامه توانبخشی، همسر دل‌سرد جیکاران آمد تا او را به خانه مادرش ببرد. اما وقتی همسرش دید که او مرد جدیدی شده است، به طور غیر منتظره ای او را به خانه برد. در نهایت هر دو تعمید گرفتند.

این روزها جیکاران به همه کسانی که می‌بیند، درباره علاقه‌ای به عیسی می‌گوید. او روزانه دعا می‌کند، «خداوند، اطلاعات بیشتری به من بده تا بتوانم درباره تو صحبت کنم.»

او گفت، «من باور دارم که خداوند مرا به این جهان آورده است تا بتوانم شاهی برای او باشم. هیچ چیز مربوط به من نیست. همه چیز به خدا مربوط است.»